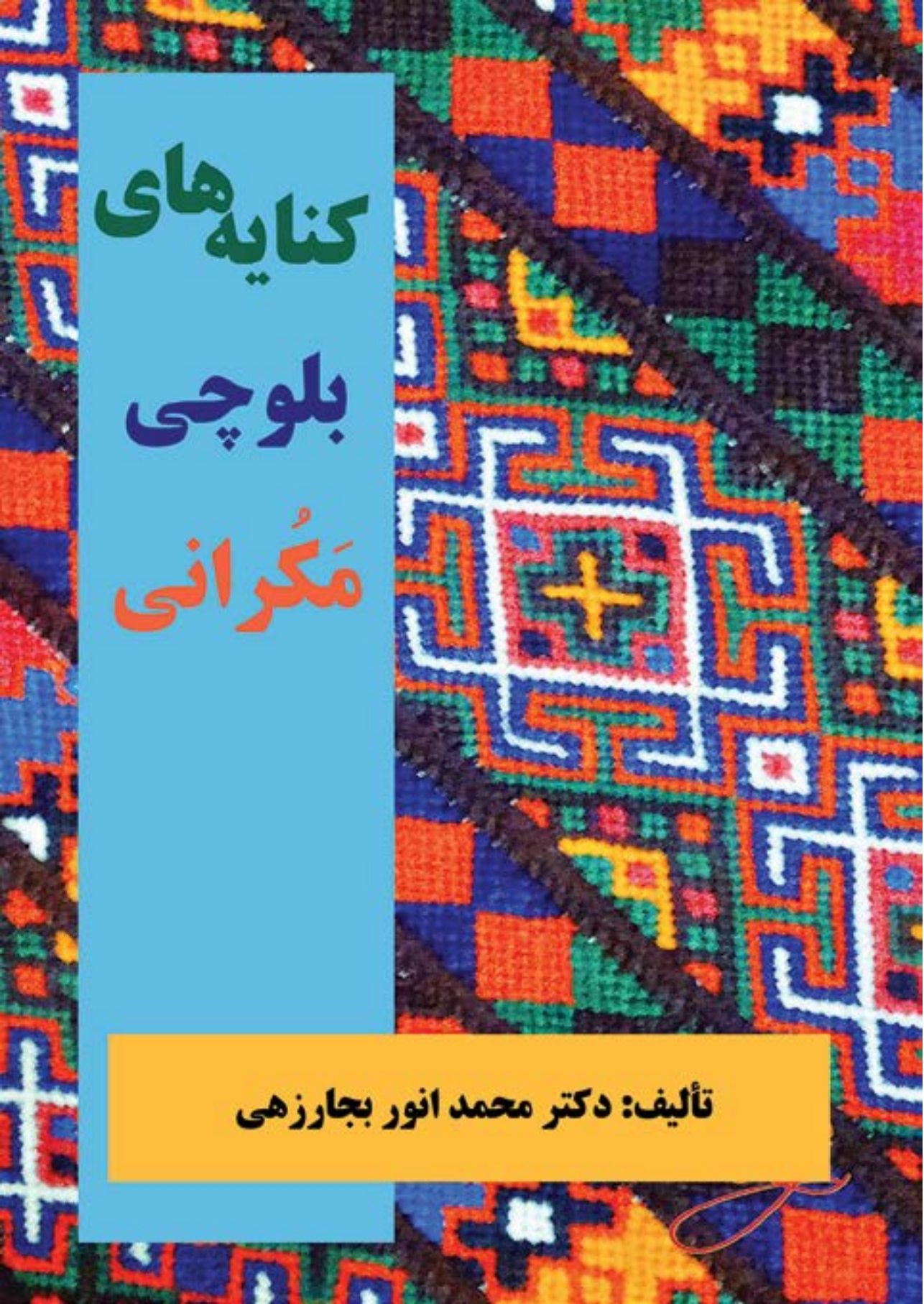




کنایہ های

بلوچی

مَکُرانی

تألیف: دکتر محمد انور بجارزهی



نمایشگاه و فروشگاه دائمی آثار نشر پرنیان اندیش

هر کجای جهان هستید می‌توانید با مراجعه به نشانی اینترنتی زیر، نسخه‌ی قانونی آثار مورد نظر خود را خریداری نمایید:

parnianandish.com

توفیق در کسب دانش، آگاهی و موفقیت پایدار، از مسیر درستی و صداقت می‌گذرد. هرگونه مطالعه و بهره‌برداری از آثار نشر پرنیان‌اندیش تنها با ذکر منبع و فقط برای خریدار و خانواده‌ی او یعنی والدین، خواهر، برادر، فرزندان و همسر وی مجاز می‌باشد. خریدار کسی است که بهای اثر مورد نظر خویش را از طریق فروشگاه اینترنتی

به نشانی parnianandish.com پرداخت می‌نماید.

در صورتی که آثار به هر طریق دیگر به دست شخص برسد، می‌بایست نسخه‌ی قانونی را با پرداخت بهای آن از طریق نشانی فوق خریداری نماید. بدین ترتیب، امکان خدمت هر چه بیشتر در راه اعتلای فرهنگ ایران‌زمین و ادامه‌ی خلق آثار ارزشمند دیگری که هریک نیازمند تلاش فراوان و صرف زمان و هزینه‌های بسیار زیاد است، فراهم می‌گردد.

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قرار داشته و بر اساس ماده‌ی ۲۳ این قانون، هر کس بدون اجازه‌ی کتبی تمام یا قسمتی از اثر را به نام خود، یا به نام پدیدآورنده و یا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده مورد نشر یا پخش یا عرضه قرار دهد، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

کلیه‌ی حقوق این اثر به نشر پرنیان‌اندیش تعلق دارد.

هرگونه تخلف از سوی واحد حقوقی انتشارات مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

parnianandish.com

رسالت نشر پرنیان اندیش، پرورش فکر و رشد انسان‌هاست



کنایه های بلوچی مکرانی

جلد ۱

تألیف: دکتر محمدانور بچارزهی



انتشارات پرنیان اندیش

parnianandish.com

کنایه های بلوچی مکرانی - جلد ۱

تألیف: دکتر محمدانور بجارزهی

تعداد صفحات: ۲۰۶

طراحی جلد و امور فنی تولید: مهندس سپهر انصاری

طراح صفحات: مهندس عصمت گلزار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۹-۱۹-۲

سرشناسه: بجازرهی، محمدانور، -۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: کنایه‌های بلوچی مکرانی / تالیف محمدانور بجازرهی.

مشخصات نشر: تهران: پرنیان اندیش

مشخصات ظاهری: ۲۰۶ ص.: مصور، جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۹-۱۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر در اصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده می باشد.

موضوع: ضرب‌المثل‌های بلوچی

موضوع: Proverbs, Baluchi

موضوع: کنایه -- واژه‌نامه‌ها

موضوع: Irony -- Dictionaries

موضوع: فرهنگ عامه -- ایران -- مکران

موضوع: Folklore -- Iran -- Mokran

موضوع: اصطلاح‌ها و تعبیرها -- ایران -- مکران

موضوع: Terms and phrases -- Iran -- Mokran

رده بندی کنگره: ۳۹/ب۳/۴۷/۳۲۵۳ PIR

رده بندی دیویی: ب۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۷۵۰۵۲

تقدیم به:

روح برادر جوان بیست ساله ام

و

به جوانان بلوچستان و ایران

نمایه

صفحه

عنوان

۱۱.....	درآمد ناشر.....
۱۳.....	پیش درآمد.....
۱۶.....	جدول حروف بلوچی.....
۱۸.....	کنایه ها

فصل اول-آرایه ی کنایه و کاربردهای آن

۲۴.....	انواع کنایه به لحاظ مکنیّ عنه.....
---------	------------------------------------

فصل دوم- بررسی و توصیف کنایات در بلوچی مکرانی (نیکشهر و قصرقند) از حرف (آ) تا (ش)

۳۱.....	آ.....
۴۳.....	ب.....
۶۵.....	پ.....
۹۳.....	ت.....
۹۷.....	ث.....
۹۸.....	ج.....
۱۰۵.....	چ.....
۱۲۱.....	د.....
۱۶۴.....	ذ.....
۱۶۷.....	ر.....
۱۸۱.....	ز.....
۱۸۹.....	س.....
۲۰۳.....	ش.....

۲۰۶.....	منابع.....
----------	------------

به خُلق و لطف توان کرد صید اهل نظر
به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

دگرنامی یا کنایه را به بیان دیگر صفت مجاز خوانده اند. در آن، سخن پردازان مفاهیم ساده و صفات و احوال ملموس را به جای مضامین پیچیده به کار می برند تا غایت کلام به شیواترین صورت تجلی یابد. کنایه از جمله ابزارهای مهم زبانی و بیانی به شمار می رود. به ویژه در فرهنگ ها و جوامعی همچون کشور ما که همواره در طول تاریخ با انواع سختی ها و تلاطمات اجتماعی دست به گریبان بوده و از سوی دیگر، دارای پیشینه ی غنی فکری و ادبی می باشد، کنایه و سخنان کنایه آمیز جلوه و رونقی مضاعف یافته است.

کشور عزیزمان یکی از شاخص ترین سرزمین های جهان، به واسطه ی برخورداری از گوناگونی اقلیمی، فرهنگی و قومیتی به شمار می رود که از جمله زیبایی ها و جاذبه های آن شناخته می شود. شناخت و توجه هر بیشتر نسبت به فرهنگ ها و قومیت های ایران موجب همبستگی بیشتر، آشنایی، نزدیکی و دلبستگی متقابل اقوام مختلف خواهد شد و مفاهمه و وحدت را می افزاید.

در اثر پیش رو که به کوشش برادر ارجمند و فرهیخته جناب آقای دکتر محمدانور بجازرهی فراهم شده، صنعت ادبی کنایه در ادبیات غنی قوم بلوچ مورد مطالعه قرار گرفته که پیشینه ای دراز دامن و فاخر دارد و به لحاظ مطالعه و پژوهش های دانشگاهی بسیار بکر است. نشر پرنیان اندیش اثر حاضر را به دوستان و علاقه مندان فرهنگ و ادب گونه گون ایران تقدیم می نماید. امید که مورد قبول واقع شود.

ندانم این شب قدر است یا ستاره ی روز
تویی برابر من یا خیال در نظرم

دکتر سپهر انصاری

مدیر نشر پرنیان اندیش

پیش درآمد

سلام و درود خداوند و بندگان عارف و خالص بر آخرین فرستاده، همان که شاعران و ادیبان از جمله شیدایان ایشانند و چه خوب سنایی و سعدی برایش گفته اند:

کفر و ایمان را هم اندر تیرگی هم در صفا

نیست دارالملک جز رخسار و زلف مصطفی

و

ماه فرو ماند از جمال محمد

سرو نباشد به اعتدال محمد

و درود بی پایان بر خاندان پاک و یاران دلاور و وفادارشان

دبیرستان را رشته ی تجربی خواندم. پدر بزرگوار و مادر ارجمندم می خواستند پزشک شوم تا بتوانم سبب افتخارشان باشم. به جای پزشکی رشته ی اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان پذیرفته شدم. قبل از دانشجویی شعر می سرودم و به عنوان مجری، برنامه های فرهنگی و هنری را در شهرستان نیکشهر اجرا می کردم. موسیقی نیز کار می کردم و نمایش نیز می نوشتم و بازی می کردم. ورزش فوتبال را نیز در سطح قهرمانی نوجوانان استان، آموزشگاه و باشگاهی ادامه می دادم.

پس از پایان چهار ساله ی کارشناسی اقتصاد، ذهن پرتلاطم که هر از گاهی بیتی می سرود و شعری می گفت، مرا به سمت ادبیات کشاند. بدین ترتیب با وقفه ای هشت ساله امتحان دادم و ارشد ادبیات زاهدان قبول شدم. از اینجا بود که عاشقانه ها، ترانه ها و شعرها رنگی دیگر گرفت. آشنایی با استادان ادب و هنر ایران زمین از جمله مولانا،

سعدی، حافظ، فردوسی، سنایی، خاقانی، عطار و... پنجره‌هایی پر رمز و راز گشود. اولین سال تحصیلی ارشدم که گذشت استاد بزرگوار جناب دکتر واثق عباسی با توجه به علاقه‌ی این جانب به فرهنگ بومی، پیشنهاد دادند که پایان نامه موضوعی مفید برای استان باشد و بشود آن را چاپ کرد. به همین دلیل بررسی کنایه‌ها پیشنهاد شد.

سپس موضوع با دکتر محمود عباسی، استاد ارجمندم، مطرح شد. ایشان با لطف و عنایت استاد راهنمایی بنده را پذیرفتند و برای مشاوره به استاد آهنگر معرفی شدم. استاد عباسعلی آهنگر مردی که هم سیستانی می‌داند و هم بلوچی و خود استاد زبان انگلیسی است مرا شناخت و با چهره‌ی همیشه خندانش بنده را به حضور پذیرفت. ایشان، خود، در دوره‌ی کارشناسی، استاد درس زبان انگلیسی ام بودند.

بدین ترتیب پس از پایان سه ترم تحصیلی، در ترم چهارم، پژوهش پایان نامه با عنوان **بررسی و توصیف کنایه‌ها در بلوچی مکرانی** آغاز شد.

در این کار از «***چم جهلی**» و «**دیم کرچک کنگ**» دوری کردم و با «**مزن دلی**» و «**دیم پچی**» به سراغ مردم منطقه‌ی نیکشهر و قصرقند رفتم. چون چند سالی است که مجری تلویزیون در شبکه‌ی استانی هستم بعضی جاها که مراجعه می‌شد «**چنک چنک** **بهرنه بیتان(بیتون)**» و در برخی مکان‌ها با «**چم سُهر**» دانستم که نباید بپرسم. به هر روی «**دلال(دلون) مزن کت**» و «**دیم شت(شتون)**».

حاصل روزهای تلاش که حدود هفت ماه می‌شد بیش از پانصد کنایه بود که برای اولین بار در منطقه‌ی مکران به صورت مکتوب در می‌آمد. در این مسیر «**دپ ء آپ دات**» تا کنایه‌های بیشتری جمع‌آوری شود.

برای این هدف، «**لهتے گورء وتون چوٹ کت**» ء «**لهتے دیوں بست**» ء «**لهتے ما را منت وار کت**».

امیدوارم این تلاش کوچک بتواند گوشه ای از فرهنگ ناب و بزرگ مردم منطقه ی مکرانِ بلوچستان را برای جوانان منطقه و علاقه مندان به فرهنگ و هنر بومی و ملی ایران معرفی کند و خداوند متعال لطفشان را همواره برای تلاشگران عرصه ی علم و فرهنگ مرحمت کنند و توفیق دهند تا در آینده ای نزدیک این پژوهش به چاپ برسد.
ان شاء الله ...

نیکشهر

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

هجری شمسی

زبان بلوچی دارای ۲۵ حرف می باشد که عبارتند از : ا ب پ ت ث چ ج د ڈ ر ز س ش ک گ ل م ن و ه (ها) ی ے که از بین آنها حروف «ث» «ڈ» و «ژ» در زبان فارسی وجود ندارند. بدین ترتیب کنایه های مورد نظر این پژوهش از حرف «ه» تا پایان حرف «ش» مطابق حروف الفبای بلوچی تنظیم شده است.

حروف و نشانه های آوایی بلوچی با مثال

حرف بلوچی	لاتین	مثال بلوچی	لاتین	معنای فارسی
ا	Ā	اس	Ās	آتش
ب	B	بنپان	bonpân	نگهبان
پ	P	بربات	peryât	فریاد
ت	T	تهدت	That	تخت
ث	ṭ	ثپ	ṭap	زخم
ج	J	جیشک جوشک	jišk jušk	گنجشک
چ	Č	جم	Čam	چشم
د	D	دلوت	dalwat	حیوان اهلی
ڈ	ḍ	ڈاچی	ḍāci	شتر ماده
ر	R	روپگ	ruəpag	جارو
ژ	ɽ	لیرو	loiɽo	شتر نر
ز	Z	زهم	Zahm	شمشیر
ڑ	Ž	ژیپ	Žimb	تاریک
س	S	سیچن- سوچن	Siččen- suččen	سوزن
ش	Š	شپانک	Šepank	چوپان
ک	K	کنپن	Kahn	قنات
گ	G	حنن	Janian	زن
ل	L	لاپ	Lâp	شکم

م	M	مات	Mât	مادر
ن	N	نمب	Namb	شینو
و	W	ورنا	Warnâ	جوان
ه	H	هاوند	Hâwand	خداوند
ر		مشیگ	Mayg	مال ما
ے	Y	ایے	İo	این
ی		یات	Yât	پاد

واکه های ساده

واکه های مرکب

واکه	نشانه ی آوایی	مثال	معنی
ایی	io	miəð	میش
اوو	uo	ruəɕ	خورشید-روز
او	Aw	sawɪ	سرو
ای	Ay	may	مال ما
این	İe	seriən	کسر

حرف/حروف	نشانه ی آوایی
ای کوتاه	ɪ
اکوتاه	e
اکوتاه	a
اکوتاه	o
اوکوتاه	u

عبارات زیر کنایه هستند:

- چم جهلی: کنایه ای است به معنای سستی.
- دیم کرچک کنگ: ناراحت و یا عصبانی شدن.
- با مزن دلی: با ظرفیت بالا.
- دیم پچی: گشاده رویی.
- چنک چنک بهر نه بیتان: بسیار مورد احترام قرار گرفتم.
- چم سُهرے: چشم غره ای.
- دلوں مزن کت: دل را به دریا زدم.
- دیم ء شتآن: پیشرفت کردم (در کار پژوهش).
- دیوں آپ دات: دهنم آب افتاد (به معنای کنایی: حرص و آرزوی پیشرفت در کار داشتم).
- لهتے گور ء وتوں چوٹ کت: در برابر برخی خواہش کردم
- لهتے ء دیوں بست: به بعضی کمک اندک مادی کردم.
- لهتے ء ماری مِنت وار کُت: بعضی ها ما را شرمندہ کردند (بدون چشم داشت کمک کردند).

- قبل از مطالعه لطفاً به مواد زیر توجه فرمایند:

- برخی کنایه ها اگر چه با فارسی یکسان است اما علاوه بر معادل آن در زبان فارسی معنای دیگری هم دارند که مختص زبان بلوچی است. مانند کنایه ی «روسياه» که در زبان فارسی به معنای کنایی آدم رسوا و بی آبرو است ولی در زبان بلوچی علاوه بر آن به معنای «شخص تنبل و بی خاصیت» نیز می باشد.
- جمله های کنایی به زبان محاوره بلوچی مکرانی (نیکشهری) نوشته شده اند. تلاش شده فعل ها هم به صورت محاوره و هم در پراکنش به صورت ادبی نوشته شوند مانند:

نے (نیست انت) در معنای نیست. البته در برخی موارد فقط محاوره آن نوشته شده و صورت ادبی آن آورده نشده است.

- برخی از کنایه ها از زبان فارسی و یا سایر زبان ها وارد زبان بلوچی شده اند مانند: آچار فرانسه.

- معادل برخی کنایه ها که در زبان فارسی بسیار مشهورند آورده نشده است. مانند: پشت ء کپک در معنای «به پشت افتادن» و معادل کنایی «عقب افتادن»

- معادل کنایی در برخی موارد آورده شده ولی منبع آن ذکر نشده. همه ی معادل های اشاره شده از کتاب «فرهنگ کنایات سخن» دکتر حسن انوری است.

- برخی کنایه های جدید به دلیل شرایط و ارتباط محیطی از زبان فارسی وارد زبان مکرانی بلوچی شده است مانند: «چی» در معنای کنایی «پیرو افکار کمونیستی».

فصل اول...

آرایه ی کنایه و کاربردهای آن

در این فصل کنایه را تعریف کرده، انواع آن و نیز تفاوت آن را با مجاز و استعاره بررسی می کنیم

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است اما در علم بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده ی معنای غیر حقیقی آن به صورتی که بتوان معنای حقیقی آن را نیز اراده کرد. (علوی مقدم، ۱۳۳: ۱۳۷۶) کنایه از احساسی ترین مسائل زبان است و خواننده و یا شنونده ای که به زبانی آشنا نیست به سختی توانایی آشنایی کامل با زبان مورد نظر را دارد؛ مثلاً در زبان فارسی وقتی می گوییم: «اوستا کریم ما را دریاب» مراد از «اوستا کریم» خداوند است و در حقیقت معنای کنایی اوستا کریم، خداوند است. به همین صورت در جمله و عبارت «فلانی دست و دل باز است» مراد از آن بخشنده بودن شخص است. به همین صورت در زبان بلوچی مکرانی می گوییم: پلانی دست **پچه pelâni dašt pačio** «فلانی دست باز است»، که معنای کنایی آن بخشنده بودن و سخاوتمند بودن فرد است. و یا: پلانی چم **چله pelâni čam jahlio** «فلانی چشم پایین است» به معنای کنایی بی عرضه بودن، بی خاصیت بودن و یا بی غیرت بودن است.

انواع کنایه به لحاظ مکنیّ عنه

در ابتدا این مطلب را روشن می کنیم که به الفاظ و معنای ظاهری، مکنیّ به و به معنای مقصود، مکنیّ عنه می گویند. انواع کنایه به لحاظ مکنی عنه به صورت زیر است:

۱- کنایه از موصوف (اسم)

یعنی صفت یا صفاتی را ذکر کنند و موصوف را کنایه نمایند. مثلاً در زبان فارسی «ناخن خشک» کنایه از شخص خسیس است و در بلوچی مکرانی، دست پیچ (dast pač) «دست باز» به معنای سخاوتمند می باشد. ویا:

بالات شجاع ارغوان تن زیر تو عروس ارغنون زن
«شجاع ارغوان تن» کنایه از مریخ است و «عروس ارغنون زن» کنایه از زهره است.

۲- کنایه از صفت

مکنیّ به (معنای ظاهری) صفتی است که باید از آن متوجه صفت دیگر شد، مانند «سرافکنده» در زبان فارسی که کنایه از «خجل» است و در زبان بلوچی بی دل (biə del) با ترجمه ی تحت اللفظی «بی دل» به معنای کنایی «ترسو و بزدل» می باشد.

۳- کنایه از فعل یا مصدر

فعل یا مصدری یا جمله ای در معنای فعل یا مصدر دیگر به کار رفته باشد. مثلاً در زبان فارسی «کمر بستن» به معنای کنایی آماده ی کاری شدن است و در بلوچی مکرانی «شلوار لانچگ» (šalwâr lânčag)، شلوار بالا زدن، به معنای کنایی آماده شدن برای کاری است.

۴- کنایه ی قریب

در این کنایه انتقال معنی از مکنی به (معنای مجازی) به مکنی عنه «معنای حقیقی» به آسانی صورت می گیرد، به طور مثال: چشم بر چیزی داشتن که کنایه از امید داشتن است. در بلوچی مکرانی «چم په کسه دست ء سکت بیگ» (čam pa kasiə dast â sakk bayag) «چشم بر دست کسی داشتن» به معنای کنایه «امید و انتظار از کسی داشتن» است.

کنایه ی بعید

کنایه ی بعید آن است که بین معنی حقیقی و مجازی (مکنی عنه و مکنی به) ارتباط زیادی نباشد اگر چه ممکن است چندین واسطه بین معنای کنایی و معنای حقیقی وجود داشته باشد.

به طور مثال:

بزرگی بایدت دل در سخا بند سر کیسه به برگ گندنا بند

در بیت بالا و برای دانستن معنای حقیقی مصراع دوم «سر کیسه به برگ گندنا بستن» چند واسطه وجود دارد:

برگ گندنا محکم نیست و زود پاره می شود پس سر کیسه باز است در نتیجه باز بودن سر کیسه کنایه از بخشنده بودن است چنان که مردم می گویند: فلانی سرکیسه را شل کرد! (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۷).

انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا

گذشتگان کنایه را از نظر وضوح و خفا و قلت و کثرت وسائط و سرعت یا کندی انتقال از مکنی به، به مکنی عنه به موارد زیر تقسیم کرده بودند:

۱- ایماء

کنایه ای است که در آن وسائط اندک است و ارتباط بین معنی اول و دوم آشکار است؛ یعنی مقصود گوینده از آن روشن است. ایماء در زبان امروز هم کاربرد دارد و به طور کلی رایج ترین نوع کنایه است:

دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم
«رخت بر بستن» کنایه از سفر کردن و رفتن است.

از همین نمونه است: «دست گزیدن» به معنای افسوس خوردن و پخته خوار به معنای کنایه تنبل و بی عار. در بلوچی مکرانی نیز «**بے مجگ**» «**bia majg**»، بی مغز، به معنای کنایه «دیوانه» می باشد.

۲- تلویح

در لغت به معنای اشاره به دور است و همچنان که از معنای آن پیداست وسائط بین مکنی به و مکنی عنه متعدد است و این امر فهم مکنی عنه را دشوار می کند از این رو تلویح عکس ایماء است.

همانطور که در کنایه ی بعید ذکر شد «سرکیسه را با برگ گندنا بستن» که دارای وسائط بین مکنی به و مکنی عنه است از نوع کنایه تلویح می باشد.

مثال بعدی: زیادی خاکستر (کثیر الرّماد) که نشانه ی زیادی پخت و پز می باشد و زیادی

پخت و پز نشانه‌ی زیادی غذاست و زیادی غذا نشانه‌ی زیادی و کثرت مهمان و بخشندگی فرد می‌باشد.

۳- رمز

کنایه‌ای است که در آن وسائط اندک است، اما معنای کنایی چندان آشکار نیست. در رمز وسائط خفی است به طوری که اصلاً نمی‌توانیم وسائط را دریابیم و در نتیجه انتقال از معنای ظاهر به معنای باطن دشوار و گاهی غیر ممکن است. به طور مثال «دندان گرد» که معنای کنایی آن طمّاع است و دم بریده به معنای زرنگ و ناقلاست. در بلوچی مکرانی «چم جهل» (čam jahl) با ترجمه‌ی تحت اللفظی «چشم پایین» از همین نوع است. معنای کنایی عبارت است از:

- ۱- بی غیرت و بی تعصب.
 - ۲- بی تفاوت.
 - ۳- تنبل.
- همچنین «سل پاد» (sel pād)، «کتیف پا» است با معنای کنایی «بی اصل و نسب».

۱- تعریض

در لغت به معنای گوشه و کنایه زدن است، یعنی اشاره به جانبی و اراده‌ی جانبی دیگر. تعریض کنایه‌ی خصوصی است که بین دو نفر رد و بدل می‌شود. به طور مثال به دوستی که از دوست خود دستگیری نمی‌کند بگویند:

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

یا به کسی که در هر علمی اظهار نظر می‌کند، بگویند:

هزار نکته‌ی باریک تر زمو اینجاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند

در بلوچی نیز وقتی آدمی ضعیف به پست و مقام و یا هر برتری نسبت به توانمندی رسیده باشد می گویند:

«کپتگ انت کوه ء جه جتگ جمپاں» «kaptag ant kuəh o jah jatag jompā»

«افتاده اند کوه ها و جایشان را تپه های کوچک گرفته اند که به تعریض شخص را آدم حقیری می پندارد اگر چه به پست و مقامی رسیده است.

و یا بیت زیر در فارسی نیز از همین نمونه است:

دود اگر بالا نشیند کسرشان شعله نیست

جای چشم ابرو نگیرد زآن که او بالاتر است